

جایگاه قرعه در فقه

دکتر سید هاشم بطحائی^۱

قرعه از جمله امارات اطمینان بخش در کشف حقایق مبهم است. معنای لغوی و اصطلاحی قرعه از نظر شرع و عرف، تاریخچه آن از دیدگاه کتاب و سنت، موقعیت آن در میان امارات، اهمیت قرعه در کشف حقایق، موارد کاربرد آن و وظیفه‌ای که طرفین دعوا پس از اجرای حکم قرعه پیدا می‌کنند، از جمله مباحثی است که در این تحقیق مطرح و بررسی شده است. این که مجری چه کسی باید باشد و آیا اجرای قرعه در مورد بلیط بخت آزمایی می‌تواند از مصادیق قرعه باشد یا خیر، از دیگر مباحث این تحقیق است.

واژگان کلیدی: قرعه، امارات، شرع و عرف، رفع اختلاف، مصادیق قرعه.

مقدمه

یکی از راه‌های قانونی برای رفع مشکلات حقوقی و تنازعات اجتماعی قرعه است و هرگاه طرف‌های دعوا راهی برای حل مورد نزاع نیابند قرعه راه نجات معرفی شده است.

قرعه^۱ در لغت به معنی بلیه و اضطرابی است که به خاطر شدت ترس وارد قلب می‌شود و این‌که قیامت را هم قارعه می‌نامند برای آن است که دل‌های دشمنان خدا و گناهکاران در آن روز از خوف حساب و پی‌آمد آن می‌تپد و دچار فزع شدید می‌گردد.^۲ در موارد رفع تنازع و استخراج سهام مدعیان نیز به دلیل این‌که قلب هر یک از طرفین دعوا تا هنگام خروج سهم آن‌ها در اضطراب است، این عمل را قرعه می‌نامند. در اصطلاح عرف متشرعه قرعه عبارت است از عمل معهود و روش خاص مورد توافق طرفین نزاع برای رفع اختلاف که با انجام آن دعوا فیصله پیدا کند.

تاریخچه قرعه

قرعه به عنوان یکی از روش‌های مطمئن برای حل و فصل خصومت و تنازع حقوقی سابقه تاریخی دیرینه دارد و قرآن که سند معتبری است از دو مورد قرعه در ملل گذشته خبر می‌دهد:

۱- برای تکفل و مراقبت از حضرت مریم میان اقوام و بستگان او اختلاف شدید بود و هر کدام مجدّانه خواهان تکفل وی بودند تا بالأخره به وسیله قرعه نزاع حل شد. قرآن این قضیه را به عنوان یک گزارش غیبی مقبول به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین القا می‌کند:

ذلك من انباء الغيب نوحيه اليك و ما كنت لديرهم اذ يلقون اقلامهم ايهم يكفل مریم و ما كنت لديرهم اذ يختصمون؛^۳

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین (دفتر نشر فرهنگ اسلامی).

۲. ملا احمد نراقی، عوائد الایام (مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه) ص ۶۶۸.

۳. آل عمران (۳) آیه ۴۴.

این ماجرا از اخبار غیبی است که آن را به تو القا می‌کنیم، زیرا تو در میان آن‌ها نبودی هنگامی که تیرهای قرعه خود را می‌انداختند که کدام یک او را تکفل نمایند و در نزاع و درگیری آن‌ها حضور نداشتی.

۲- حضرت یونس علیه السلام هنگامی که از میان قوم خود با دل‌تنگی فرار کرد بر کشتی‌ای سوار شد که با سرنشینان آن‌بوه در وسط دریا با مشکل مواجه شد. ناخدا احساس کرد بار کشتی زیاد است و برای نجات کشتی و سلامت جان سرنشینان باید یکی از مسافران را به دریا انداخت. از آن‌جاکه هیچ‌کدام این پیشنهاد را نپذیرفتند و اقدام بی‌دلیل هم‌ظالمانه بود بر قرعه توافق کردند که اتفاقاً قرعه به نام یونس افتاد.

و ان یونس لمن المرسلین اذ ابق الی الفلک المشحون فساهم فکان من المدحضین^۴؛ همانا یونس از پیامبران بود از قوم خود فرار کرد و سوار بر کشتی پر مسافری شد پس قرعه زده شد و او از محکومین به قرعه گردید.

اولین کسی که قرعه درباره او اجرا شد

در این که کدام‌یک از این دو ماجرا اول اتفاق افتاد و هم‌چنین آیا ملل دیگر هم در مواقع شبیه به قرعه متوسل می‌شدند یا نه، در قرآن مشخص نشده است ولی از امام باقر علیه السلام که خود مفسر و اهل قرآن است چنین نقل شده:

اول من سوهم علیه مریم بنته عمران ثم تلا: و ما کنتم لدیهم اذ یلقون اقلامهم؛ نخستین کسی که درباره او قرعه زده شد، مریم دختر عمران بود و بعد امام این آیه را تلاوت کرد که: تو نزد آن‌ها نبودی هنگامی که تیرهای قرعه خود را انداختند.

در ادامه روایت آمده است:

ثم استهوا فی یونس ثم کان عبدالمطلب ولد له تسعة بنین فنذر فی العاشر ان یرزقه الله غلاماً ان یرزقه فلما ولد له عبدالله لم یقدر ان یرزقه و رسول الله فی صلبه فجاء بعشر من الابل فساهم علیها و علی عبدالله فخرجت السهام علی عبدالله فزاد عشراً

فلم تزل السهام تخرج علی عبدالله و یزید عشرأ عشرأ فلما ان اخرجت مائة خرجت السهام علی الابل فقال عبدالمطلب ما انصفت ربی فاعاد السهام ثلاثاً فخرجت علی الابل فقال الآن علمت ان ربی قد رضی بها فخرها؛^۵

دومین قرعه در باره یونس پیامبر زده شد و سومین درباره عبدالمطلب که وقتی دارای نه پسر شد در هر دهمی نذر کرد که اگر خداوند پسری را به او روزی کند وی را در راه خدا سر ببرد، تا این که عبدالله متولد شد و نتوانست او را سر ببرد، زیرا پیامبر خدا در صلب عبدالله بود. پس عبدالمطلب ده شتر در کنار عبدالله قرار داد قرعه زد که به نام هر کدام درآید او را ذبح کند قرعه به نام عبدالله اصابت کرد. ده شتر دیگر اضافه کرد و میان عبدالله و بیست شتر فرعه زد باز قرعه به نام عبدالله درآمد. پیوسته قرعه به نام عبدالله درمی آمد و عبدالمطلب همه ده تا ده تا اضافه کرد تا وقتی که به صد شتر رسید قرعه به نام شترها اصابت کرد. عبدالمطلب گفت من با پروردگار خود به انصاف عمل نکردم لذا سه مرتبه قرعه را تکرار کرد هر سه مرتبه قرعه به نام شترها درآمد. عبدالمطلب گفت: الان من متوجه شده ام که پروردگار من از نتیجه قرعه راضی است پس شترها را قربانی کرد.

از کلام امام باقر علیه السلام چنین برمی آید که قبل از ماجرای سریم دختر عمران، از قرعه بران حل اختلافات و رفع شبهات استفاده نشده است و پس از آن که جد پیامبر اسلام آن را به کار برد، از قواعد امضایی اسلام برای کشف حقیقت به حساب آمد.

موقعیت قرعه و اهمیت آن در کشف حقایق

بی تردید در مواردی که تلاقی حقوقی پیش می آید و شبهه ای در گزینش محقق می گردد، افراد در تشخیص حق دچار سردرگمی می شوند که یا باید هم چنان مردد به سر برند یا بدون دلیل یک طرف قضیه را انتخاب نمایند. از آن جا که هیچ یک از این دو عاقلانه نیست، چاره ای جز واگذاری تعیین حقوق و گزینش به خدای متعال به عنوان

بهترین و مطمئن‌ترین راه باقی نمی‌ماند و این راه توسل به قرعه است.

در روایات متعدد امام معصوم علیه السلام به این سؤال که در قضایای مجهول و موارد نامعین چه باید کرد، چنین پاسخ دادند:

کل مجهول ففیه القرعة؛

هر مطلب مجهولی را با قرعه حل کنید.

و در مورد این‌که قرعه ممکن است مطابق واقع باشد یا مخالف آن، فرمودند:

كلما حکم الله به فلیس بمخطئ؛ هر چیزی که مورد حکم خدا قرار بگیرد، خدا را اشتباه

بود.

هم چنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

لیس من قوم تنازعوا ثم فوّضوا امرهم لی الله الا خرج سهم المحق؛^۶

هیچ قوم و گروهی حل نزاع و درگیری خود را به خدا واگذار نکردند، مگر این‌که سهم صاحب حق بیرون آمد.

پس قرعه در میان امارات و دلایل اثبات حق، بهترین راه به حساب می‌آید. به تعبیر امام صادق علیه السلام:

ای قضیه عادل من القرعة اذا فوّض الامر لی الله. ایس الله یقول: فسا هم فکان من المدحضین^۷؛ چه قضیه و حکمی عادلانه‌تر از قرعه است. در صورتی که کار به خدا واگذار شود. مگر نه این است که خدای متعال می‌فرماید: پس قرعه زده شد و یونس از محکومین قرار گرفت.

احتمالاً مقصود امام صادق علیه السلام از عادل بودن قرعه این باشد که طرفین دعوا در کشف حقیقت خود را تسلیم خدای متعال نموده و داوری قضیه را به او سپرده‌اند و از همه عادل‌تر است و تمسک به آیه شریفه در رابطه با یونس نیز احتمالاً از این روست که اگر این شیوه در کشف حقیقت نارسا بود، یونس پیامبر آن را نمی‌پذیرفت و قرآن آن را به عنوان یک راه مقبول در کشف حقایق بیان نمی‌کرد. پس قرعه از نظر کتاب و سنت از

۶ حر عاملی، وسائل الشیعة، ص ۱۸۷ - ۱۸۸.

۷ همان، ص ۱۹۰.

اعتبار بالایی برخوردار است و کشف حقیقی حقوقی می‌کند نه کشف واقعی حقوقی. توضیح این‌که مثلاً «ید» در میان امارات کاشف است و بر مالک بودن ذوالید دلالت می‌کند اما کاشف حقیقی نیست بلکه کاشف واقعی حقوقی است و چه بسا مدعی با ارائه بیّنه بطلان ید را به اثبات رساند، اما در مورد قرعه چنین نیست، بلکه در قرعه تیر به هدف حقیقی و نفس الامری اصابت کرده است و قابل نقض نخواهد بود.

موارد کاربرد قرعه

با توجه به مدارک و اسناد قرعه، برای کشف امور مجهول و مشتبه می‌توان از آن استفاده کرد و ظاهر اطلاق تمام موضوعات و احکام شرعی و وضعی و عرفی و عقلی و لغوی را در برمی‌گیرد. اما در واقع، چنین اطلاقی پذیرفته نیست، بلکه احکام شرعی و وضعی نسبت به موضوعات خود از دو حال خارج نیستند: یا این‌که به لحاظ کلیت، دارای حکم مخصوصی هستند که در این صورت باید از این حکم خاص تبعیت نمود و یا این‌که دارای حکم مخصوصی نمی‌باشند که در این فرض، به تفاوت موارد، محل اجرای اصل برائت استحساب یا تخییر خواهد بود. پس قرعه اصولاً در احکام اجرا نمی‌شود، بلکه در موضوعات احکام شرعی یا وضعی کاربرد دارد. از بررسی آیات و روایات و موارد انجام قرعه چنین به دست می‌آید که قرعه منحصرأً در دو مورد به کار می‌رود:

۱- در جایی که اصل حق و تکلیف در واقع و نفس الامر معین اما در ظاهر به جهتی نامعلوم باشد؛ مانند جریان حضرت یونس که در واقع به دلیل فرار از انجام وظیفه محوله از طرف خداوند، تحت تعقیب الهی بود و بایستی با حبس شدن در شکم ماهی مجازات گردد. اما این امر در ظاهر معلوم نبود و ناخدای کشتی و سرنشینان آن، برای حل مشکل خود به این نتیجه می‌رسند که برای نجات کشتی و سرنشینان آن باید یک نفر به قید قرعه از کشتی خارج شود.

۲- در مواردی که تکلیف و وظیفه‌ای متوجه یک یا چند نفر است، ولی در واقع هم شخص مکلف نامعلوم می‌باشد. (این قسم به وجوب کفایی شبیه‌تر است) مانند تکفل و

حضانت از مریم بنت عمران که اصل حضانت یک تکلیف بود و زکریا به عنوان شوهر خاله وی و احبار یهود و دیگر بستگان خواهان انجام آن بودند و با قرعه تکلیف معلوم گردید.^۸

تعارض قرعه با حکم شبهه محصوره

با توجه به این که قرعه برای هر امر مجهول یا مشتبهی است و شبهه محصوره نیز از مصادیق آن می باشد این سؤال قابل طرح است که چرا قرعه منحصر به دو مورد یاد شده می باشد و در شبهه محصوره اجرا نمی شود؟

تعداد اندکی از علمای علم اصول^۹ در شبهه محصوره به جریان اصل اشتغال قائل اند و در مقابل تعداد زیادی موارد شبهه محصوره را مجرای اصل برائت می دانند و در مجموع حاصل سخن آنها این است که قرعه در جایی جاری می شود که هیچ امیدی برای خروج ازین بست وجود نداشته باشد ولی در شبهه محصوره بنا بر اشتغال یا برائت راه گریز وجود دارد.

ناقض این سخن، صحیحه محمد بن عیسی است^{۱۰} که در آن امام علی^{علیه السلام} مسئله قرعه را در میان گوسفندانی مطرح می کند که یکی از آنها موطوئه است. به بیان دیگر، به رغم آنکه اصولیین در شبهه محصوره قائل به اشتغال یا برائت اند امام معصوم^{علیه السلام} به قرعه فرمان داده اند.

بنابراین، اگر شبهه محصوره از قاعده قرعه خارج است، چرا روایت فوق قرعه را مطرح کرده است؟

محققان در پاسخ این سؤال، راه حل های زیر را ارائه داده اند:^{۱۱}

۱- مورد روایت غیر محصوره بوده و طبق قاعده، اجتناب لازم نبوده است اما از باب

۸. ملاحمد نراقی، همان، ص ۶۶۲.

۹. میر عبدالفتاح حسینی مراغی، عذوبین، ص ۳۵۶.

۱۰. حر عاملی، همان، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

۱۱. میر عبدالفتاح حسینی مراغی، همان، ص ۳۵۷.

احتیاط و اطمینان خاطر و دفع تنفر نفسانی به قرعه حکم شده است.
 ۲- فرض این که مورد روایت شبهه محصوره باشد، این مورد اخص از قاعده اشتغال و ادله اجتناب از شبهه محصوره است و به طور خاص قرعه در آن به کار رفته است و این مستلزم آن نیست که در سایر موارد نیز جریان پیدا کند.

۳- شبهه محصوره با دیگر موارد تفاوت دارد به این بیان که: اجتناب از یک گله به مجرد علم به این که یکی از آن‌ها موضوئه می باشد، مستلزم تضييع مال و خسارت فراوان می گردد پس اعمال قرعه در آن خلاف نص و اجتهاد نیست. به بیان دیگر، مورد روایت یا تخصصاً خارج است یا استثنایی است از قاعده اشتغال و ادله اجتناب از شبهه محصوره، در نتیجه روایت مانع از عدم جریان قرعه در دیگر موارد نیست.

عزیمت یا رخصت بودن قرعه

با لحاظ این که قرعه بهترین ابزار کشف واقع است این سؤال مطرح است که آیا استفاده از قرعه در موارد آن، امری واجب و ضروری است یا تنها جنبه ارشادی دارد و می توان برای روشن شدن مطلب به راه‌های دیگر روی آورد؟
 به نظر می رسد در صورت لزوم تعیین مورد و نبود مرجح، توسل به قرعه ضروری است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می گردد. حضرت هادی علیه السلام در جواب مسائل یحیی بن اکثم فرمودند: گر ناظر بر آمیزش با گوسفند آن را می شناسد باید ذبح کند و بسوزاند، اما اگر آن را نمی شناسد، گله را دو نیم کرده، میان آن دو بخش قرعه بزنند. قرعه به هر یک اصابت کرد آن را بر دو بخش کرده و قرعه را تکرار نماید تا این که بالآخره دو گوسفند باقی بماند و سپس میان آن دو قرعه زده، به نام هر کدام واقع شد آن را ذبح کند و بسوزاند.

هم چنین در جایی که دلایل دو طرف به حسب ظاهر نزد قاضی یکسان بود برای رفع تراحم الزاماً باید قرعه زده شود.

از موارد دیگری که قرعه تنها راه حل دانسته شده است می توان به موارد زیر اشاره کرد: در جایی که دو مورد یا بیش تر با ارائه دلایل کافی در مورد یک نفر ادعای فرزندی

کنند؛ در باب توریث خنثا مشکل و هم چنین توریث دو متوفای مشتبه که معلوم نیست کدام یک زودتر فوت کرده تا دیگری وارث شناخته شود؛ در مواردی که یک سوم ترکه متوفا جوابگوی تمام وصایا نیست و موصی له‌ها هر کدام ادعای تقدم دارند. به طور کلی در جاهایی که دلیل بر تخییر وجود ندارد و بقای بر ابهام و خصومت نقض غرض است، راه حل قطعی قرعه می‌باشد و به کار بردن آن واجب است.

مجری قرعه

با توجه به اهمیت قرعه در حل و فصل قضایا اینک این سؤال مطرح است که چه کسی باید آن را اجرا نماید؟ از روایات و آرای فقها چنین به دست می‌آید^{۱۲} که قرعه وظیفه امام یا نائب خاص یا عام اوست و اگر کس دیگری آن را اجرا کند آثار و حکمی بر آن مترتب نمی‌گردد. در حقیقت، قرعه یک حکم قضایی و از شئون حاکم می‌باشد. حال آیا چنانچه قاضی تحکیم نیز شرایط قاضی منصوب را داشته باشد می‌تواند بر اساس قرعه حکم کند؟

فقها در باب قضا می‌گویند: اگر طرف‌های دعوا فردی از رعیت را به عنوان حاکم اختیار کردند و به حکم او راضی شدند، لازم است از داوری او تبعیت نمایند. اگر حاکم یا وکیل او از اجرای قرعه معذور بودند، عدول مسلمین می‌توانند آن را اجرا کنند و مستند آن را آیه شریفه «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض» ذکر کرده‌اند^{۱۳}. با الغای خصوصیت در باب قضا و می‌توان گفت لازم نیست که منحصرأ امام یا نایب وی مجری قرعه باشد بلکه قاضی تحکیم و حتی مسلمین از عدول در انجام آن مجازند. روایت^{۱۴} فضیل بی‌سار از امام صادق علیه السلام هم مؤید این نظر می‌باشد که در مورد تعیین سهم الارث خنثا امام می‌فرماید:

یقرع علیه الامام اوالمقرع؛

۱۲. ملا احمد نراقی، همان، ص ۶۵۷.

۱۳. سیر عبدالفتاح حسینی مراغی، همان، ص ۳۶۸.

۱۴. حر عاملی، همان، ج ۱۷، ص ۵۸۰.

امام یا کس دیگری درباره او قرعه بزند.

در این پاسخ امام صادق علیه السلام قرعه زننده را مطلق ذکر کرده است در نتیجه ممکن است امام یا دیگری باشد.

سؤال دیگر این است که اگر قرعه وظیفه امام یا نایب او باشد، آیا در مورد قرعه اذن خاصی لازم است یا این که از وظایف نیابت عام است؟

نظر محققین بر آن است که اذن در نیابت عام، کافی است و نیاز به اذن خاص ندارد، زیرا قرعه همانند شنیدن شهادت شهود، احلاف منکر و احضار خصم، از لوازم قضا است و اذن در قضا اذن در لوازم آن نیز می باشد. پس قرعه در حقیقت یک حکم قضایی و مجری آن حاکم می باشد. البته حکم در قرعه با سایر احکام فرق دارد، زیرا حاکم در قرعه، در واقع و نفس الامر خداوند است، لذا خطا نمی کند و آنچه استخراج می شود همان حق و حقیقت است، اما در سایر احکام قاضی احتمال خطا وجود دارد.

حکم بعد از قرعه

بی تردیدی قرعه یکی از طرق کشف حقیقت است و قاضی در برخی مواقع الزاماً و در برخی دیگر مجازاً از قرعه استفاده می کند اما آیا طرفین دعوا پس از بیان قرعه از طرف حاکم حق تخلف از آن را ندارند و باید در برابر حکم استخراجی تمکین کنند یا این که می توانند از آن سرپیچی نمایند؟

پاسخ مسئله از دو زاویه قابل بررسی است: ۱- از نظر اخبار و روایاتی که تواتر معنوی دارند: آنچه با قرعه استخراج می شود حق است؛ آنچه به وسیله قرعه استخراج می گردد سهم محق است یا سهم الله است و سهم الله زیان نمی رساند؛ قرعه حکم الله است و حکم الله خطا نمی کند. بنابراین نمی توان از قرعه عدول کرد، حتی در برخی در برخی مواقع اگر طرفین هم بخواهند حکم قرعه را نادیده بگیرند ممکن نیست؛ چنان که اگر طفل مورد نزاع با قرعه به یکی از آنها تعلق گیرد، نمی توانند آن را ابطال کنند.

۲- از نظر حکم حاکم هم با توجه به صحت آن، کسی حق ندارد بدون دلیل آن را نقض یا ابطال نماید؛ به ویژه که حکم قرعه حاکم است و حکم حاکم مطلقاً لازم الاجراست.

کیفیت اجرای قرعه

با توجه به این که قرعه وسیله‌ای است که حاکم آن را برای رفع مشکلات به کار می‌برد، قابل بحث و بررسی است که به چه وسیله و چگونه باید آن را اجرا کرد؟ آیا شیوه خاصی به صورت توقیفی معرفی شده است که عدول از آن ممکن نیست، یا این که کیفیت آن به عهده حاکم یا عامل اجراست؟

گروهی از فقها می‌گویند: ^{۱۵} اجرای قرعه در ابزار خاصی منحصر نشده است، چنان که در قرآن از ابزار آن به اقسام ^{۱۶} تعبیر شده است و در صحیحه فضیل بی‌سار ^{۱۷} سهم، در روایت ابن‌بصیر انگشتر ^{۱۸} و در روایت نبوی ^{۱۹} کتابت و بهره و هسته خرما، وسیله قرعه معرفی شده‌اند. متداول در میان فقها آن است که اسامی اشخاص را روی کاغذهایی برحسب آمار شرکا یا سهام نوشته و پس از مخلوط کردن قرعه می‌زنند، بنابراین روش خاصی در مورد قرعه توصیه نشده است، لیکن تبعیت از کتاب و سنت بهترین روشی است که حاکمان و مجریان قرعه می‌توانند در پیش گیرند.

قرعه و بلیط بخت‌آزمایی

در پایان به جاست مسئله قرعه را در مورد بلیط‌های بخت‌آزمایی که امروزه رایج است، بررسی کنیم. در این بررسی ابتدا باید روشن شود که جایگاه این شیوه در کدام یک از موارد ذکر شده قرعه مشروع و مقبول قرار دارد؟ آیا از قبیل تکفل حضرت مریم است یا مثل قرعه در مورد حضرت یونس؟ تکفل حضرت مریم، تکلیفی بود به صورت وجوب کفایی و لازم بود عده‌ای آن را به عهده بگیرند، اما از آن‌جا که یک نفر بیش‌تر نمی‌توانست عهده‌دار او گردد، قرعه زده شد و به نام زکریا اصابت کرد و در ماجرای

۱۵. شهید ثانی، القواعد و الفوائد، ص ۲۳۰ و مراغی، عناصرین الاصول، ص ۱۲.

۱۶. رک: ال عمران (۳) آیه ۴۴.

۱۷. شیخ طوسی، التهذیب، حدیث (۱۸) ۱۲۷۳/۳۵۹ و حر عاملی، همان، ج ۱۸، ص ۲۰۴.

۱۸. حر عاملی، همان.

۱۹. یوسف بحرانی، عیون الحقائق الناضره فی تنمہ الحدائق، ص ۲۲۵.

حضرت یونس، امر مجهولی در میان بود که لازم بود کشف شود و راهی برای روشن شدن آن جز قرعه وجود نداشت لذا به آن عمل شد و در اسلام هم مورد تقریر سنت قرار گرفت.

حال باید دید در بلیط بخت آزمایی چه حق یا حکمی در میان است که به حکم قرعه می خواهند آن را روشن نمایند؟ به نظر می رسد هیچ شباهتی میان قرعه متداول شرعی و قانونی از قبیل تکفل و مسئله «بخت آزمایی» وجود ندارد و نمی توان بایگاه حقوقی و شرعی برای آن پیدا نمود.

در بلیط بخت آزمایی الزام حقوقی و عقلی و شرعی ای در کار نیست تا این که ملزم به کشف باشند، زیرا خریداران بلیط ما به ازائی را نمی خرند و طلبی از فروشندگان بلیط ندارند. بنابراین با مورد دوم یعنی قرعه حضرت یونس نیز قابل مقایسه نیست. علاوه بر این که این قرارداد با هیچ یک از موازین حقوقی و مبادلاتی تطبیق ندارد و دین یا حقی حتی به صورت جعاله وجود ندارد، تا برای روشن شدن آن متمسک به بخت آزمایی گردند. به خلاف مورد حضرت یونس که در آن یک طرف قضیه ناخدا بود که برای سلامت کشتی و جان خود، تلاش می کرد فرد اضافی را تعیین کند و طرف دیگر سرنشینان کشتی بودند که هر کدام در عین اقرار به وجود فرد اضافی، خود حاضر نبودند کشتی را ترک کنند در نتیجه تنها راه حل قرعه بود، اما در بخت آزمایی چنین مشکلی وجود ندارد. پس در مقایسه با مورد دوم نیز نمی توان بخت آزمایی را از مصادیق قرعه مشروع به حساب آورد. به علاوه اصل بلیط اعتبار و ارزش ذاتی ندارد و ارزش اعتباری آن هم مانند پول رایج مملکتی نیست که در همه جا قابل معامله باشد. پس در حقیقت پولی که اشخاص حقیقی یا حقوقی در برابر بلیط دریافت می کنند به دلیل آن که ما به ازاء ندارد مالک آن نمی شوند و ضامن صاحبان آن می باشند.

نکته دیگر این که چنان که گذشت حاکم در قرعه خداوند است که پرده از امر مجهول برمی دارد و حق را به صاحب آن می رساند، اما آیا هیچ متفقه تا چه رسد به فقیهی به خود اجازه می دهد که بگوید: در پس این قضیه خدا قرار دارد و این سهم مجهولی را که هیچ دلیلی برای ذی حق بودن احدی وجود ندارد، برای یک نفر مشخص می کند! مثلاً

فردی که با دو هزار ریال بلیطی را خریداری کرده و مؤسسه مربوطه هم برای تشویق مردم جوایزی را تعیین و با قرعه به فلان شخص اختصاص داده است، آیا حقیقتاً این ماشین حق این فرد بوده و به حکم قرعه بخت آزمایی، امری که در خفا بوده اکنون روشن شده است؟!

بدیهی است که خود برنده جایزه نیز چنین عقیده‌ای ندارد و به هیچ وجه خود را صاحب چنین مطلب مجهولی نمی‌داند. بنابراین با هیچ سند و مدرک و تحقیقی نمی‌توان قرعه در بخت آزمایی را از مصادیق قرعه مشروع به حساب آورد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از مباحث بسیار اساسی و مهم حقوق جواز است و فلسفه و راز این گزینی در بنگار است که سؤال از آنست که آیا توایز گزینی یک کشور صرفاً در داخل قلمرو حاکمیت آن کشور قابلیت اعمال و اجرا دارند یا در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور هم می‌توانند

مآخذ

- ۱- بحرانی، یوسف، عیون الحقائق الناضره فی تتمه الحدائق (مطبعة النجف الاشرف).
- ۲- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، العناوین (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۲۱۷ ق)
- ج ۱
- ۳- شهید ثانی، القواعد و الفوائد (مکتب الاعلام الاسلامی) ج ۲.
- ۴- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، عناوین الاصول (مکتب الاعلام الاسلامی).
- ۵- شیخ طوسی، التهذیب (بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ ق).
- ۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان (تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۳) ج ۲.
- ۷- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷).
- ۸- عاملی، حر، وسائل الشیعه (تهران، الاسلامیه، ۱۳۶۷) ج ۱۸.
- ۹- قرآن کریم.
- ۱۰- نراقی، ملا احمد، عوائد الایام (تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵).

پروژه اسکان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

تدارک مالک کلاسی شوند و فنان صاحبان آن می باشند

نکته دیگر این که چنان که گذشت حکم در قرعه خداوند است که برده از امر مجهول

برمی دارد و حق را به صاحب آن می رساند اما آیا هیچ منصفی وجود ندارد که قیاس به

خدا و اجازه بر دهد که بگوید که این قرعه خداوند است و در این سوره مجنون آمده